

بلوچستان ایران

و مدینت عصر حجر

مقام س . ال . فابری

ترجمه از مجله انگلیسی آسیا منطبعه امریکامترجم
جناب عبدالباق خان لطیف سرکاتب انجمن

گر معلوماتی را که در اثنای پانزده سال اخیر راجع بجنس بشر اکتساب
نموده ایم با اطلاعاتیکه در ظرف یکصدسال قبل از جنگ عمومی در اطراف این
نوع شریف کسب گردیده طرف مقایسه قرار بدیم فوری ملتفت خواهیم شد که
این معلومات مکتسبه پانزده ساله ما بمراتب از معلومات مستحصله صدسال
قبل جنگ عمومی چرب تر و سنگین تر میباشد؛ زیرا در اثر حفاریات که از طرف
امریکائیه، انگلیس ها، جرمنها، فرانسوی ها و چایانها در شرق قریب و وسطی
و شرق اقصی اجرا گردیده مواقع و محلات عدیده مکشوف و تبدیل و تطور
محوسی در معلومات ما راجع بتاریخ مدینت های قدیمه بعمل آمده، چه حقایق
انسانهای که اضافه از پنج هزار سال پیش از میلاد در شهرهای خوش بنازیست و زندگی
مینمودند و برای مادر سابق فقط از مریخ اجرام سماوی متبعات عمیق در کتب و آثار
عهد عتیق یعنی تورات و زبور و غیره صحف انبیا روشن شده بود اکنون اعم
از دیگران بطلبای خورد سال عتیقه شناسی هم مکشوف و مبین شده میباشد و انگام
طوری که مدینت راقیه و باعظمت وادی اندس (سند) یکا یک و غیره مترقب
مکشوف گردید دیگر هیچیک اکتشافی در رشته آثار عتیقه و تاریخی باین ناکهانی
تاحال بساحه کیتی بعمل نیامده زیرا قدیمترین آثار تاریخی که قبلاً در هند بدست
آمده (اگر مینارهای بادشاه بزرگ آشوکان را که تاریخ آن را سه چهارصدسال

قبل المیلاد نهمین مینمایند استثنائاً نمائیم) عبارت از همان ستویه (۱) بودائی بهار هوت است که محتمل درین یکصد و پنجاه یا دوسد سال قبل المیلاد بنا و تعمیر شده باشد در حالیکه این مدینیت تازه مکشوف شده عیناً با مدینیت عصر حجری شهرهای عراق مقارن و معاصر گفته میشود، چه به مثل بکتهمداد اشیاء و اجناس مکشوفه که منسوب بمدینیت متذکره اندوس (سند) گفته میشود بکتهمداد اجناس و اشیاء از اراضی و خاکهای عراق مکشوف گردیده که رو بهمرفته اینحقیقت و سایر حقایق ربط و اتصال بسیار نزدیکتری را در مابین مدینیت های مذکورہ یعنی مدینیت اور (۲) کیش (۳) تل اسهار (۴) و دیگر شهرهای قدیمه عراق از یکطرف و موهنجودیر و هریدر وادی اندس (سند) از دیگر طرف خاطر نشان مینماید.

راجع بتعین تاریخ صحیح این عصر حجری موسوم به عهد چالکولتیک (Chalcolithic Period) (۵) اختلافات زیادی موجود میباشد معیناً هم.

(۱) محلیست که بیروان بودا اشیاء و اجناس مدعی شان را در آنجا برای حفظ شدن میگذاشتند (۲) یکی از شهرهای قدیم عراقست که اکنون بنام موقی یا موسوم بوده و بر دریای فرات کائین می باشد (۳) این نیز یکی از شهرهای قدیمه عراقست که ممکن حالاً نام علیجده داشته و یا اینکه آثار آن کاملاً از صفحه گیتی محو و نابود گردیده خواهد بود. (۴) ایضاً از جمله شهرهای قدیمه عراقست که شاید جای آنرا کدام شهر یا محله جدیدی و کوهی بکند نام دیگر گرفته و بکار گرفته شده است. (۵) کلیه مدت زندگانی انسانرا از ابتدای خشت تا کنون بدو دوره متمایز تقسیم میکنند دوره ماقبل تاریخی و دوره تاریخی؛ دوره تاریخی عبارتست از زمان ایجاد خط تا عصر حاضر و اما دوره ماقبل تاریخی از ابتدای خلقت بشر شروع و بزمان پیدا شدن خط و کتابت خاتمه پذیر می شود. این دوره یعنی دوره ماقبل تاریخ را بچهار قسمت که هر کدام آنها را عصر میگویند تقسیم کرده می باشند: (۱) عصر حجر قدیم (۲) عصر حجر جدید (۳) عصر مفرغ (۴) عصر آهن بعد از ختم شدن اعصار حجر قدیم و جدید که در دورههای مقدمانی حیات بشر گفته می شوند و آلات و ادوات محتاج بشر درین اعصار یعنی عصر حجر قدیم از سنگهای خشن طبیعی تراشیده و در عصر حجر جدید هم از سنگهای صیقلی تراشیده ساخته میشد در یک قسمت از عصر مفرغ نیز نظر به نرم بودن فلز مس که (اکثریه اشیای محتاج به انسان درین عصر از فلز مذکور ساخته میشد) نبشده آلات حربی مدافعه و تعرض از آن ساخته شود آلات حربی تدافعی و تهاجمی را هنوز از سنگ تیار می نمودند؛ همین عصر را که نیمه سنگی و نیمه مفرغی گفته می شود عصر چالکولتیک مینامند.

متفق هستند که این عصر پیش از ۲۶۰۰ سال قبل المیلاد (مقارن با سلطنت سلسله ساردونید) در عالم وجود داشته و چندین صدسال هم دوام نموده است که باینصورت میتوانیم تاریخ طبقات سفلی و پایانی بشر را از ۳۵۰۰ سال قبل المیلاد تخمین و اتخاذ نمائیم.

فاصله فیما بین اور (واقع در عراق) و موهنجودایرو (واقع در سند) (به برش زاغ) یعنی بصورت مستقیم تقریباً دو هزار و دو صد کیلو متر یا هزار و سه صد و شصت میل میباشد که درینجا خود بخود سوالی وارد میشود که آیا چه رشته تعلق فیما بین این دو نقاط بعیده موجود خواهد بود؟ وانگاه نظر باینکه زمین های واقع در مابین این دو موضع اکثراً عبارت از اراضی بلوچستانها یعنی بلوچستان انگلیسی و بلوچستان ایران میباشد هر چند برای کشف و حل این معضله در موسم های مناسب سال های ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ سیاح و کاشف بزرگ سر آوریل ستین در هندستان یا بعبارت دیگر در بلوچستان انگلیسی وارد گردیده و یک قطعه بزرگ اینولایت را با سرعت زیادی سیر و گردش نمود و درین گردش سیاح مذکور هر چند آنقدر وقتی که در آنجا اکتفا کرد در آن روزی نظم و قاعده حفریات نمیدادند معیناً یک تعداد زیادی از توده های خاک و تپه های کوچک کوچک عهد چالکولتک را پیدا کرده و از روی تکه یارده های که قسم از روی خاک توده های مذکور جمع کرده و قسمی هم در اثر حفریات امتحانی کوچک کوچک بدست آورده بود و مواقع متعدده را که مسکون بانسانهای عهد عتیق بود و در غالب چیزها شباهت نامی با موهنجودایرو بهم میرسند هم مکشوف ساخت چنانچه نتایج این دو سیاحت مومی الیه تماماً در آثار و یادداشت های او که از طرف اداره عتیقه شناسی هندوستان بطبع رسیده ضبط شده میباشد. اما از طرف دیگر بلوچستان ایران تقریباً تا دو سال قبل بالکل

دست نخورده و بدون اینکه ادنی تجربیات و اکتشافاتی در آن بعمل آمده باشد سالم باقیانده بود .

اخیراً در نتیجه مکاتبات و مفاہمات های طولانی سیاح مذکور توانست با ممداد و معاونت نیک قونسلخانه های انگلیسی و امریکا مقیم طهران از حضور اعلیحضرت رضاشاه پهلوی اجازه و امتیاز ورود کشور ایران و اجرای تفحص و جستجو را در منطقه مجهوله آن سامان یعنی بلوچستان ایران نیز اخذ و استحصال نماید؛ اجازه رسمی وزارت خارجه معزی الیها بقریب اندوس در روز کرسمس ۱۹۳۱ که واقعاً برایما يك روز عید بسیار سعیدی تمام شد و اصل گردید. دوستان و علاقمندان سر آوریل که او را بیش از يك سیاح خونسرد طاقت و رو و کوشش مندی نمی شناختند خیلی متعجب شدند وقتی که ابتهاج و مسرت فوق العاده او را عندالو ورود این خبر مشاهده نمودند. بهر حال بسرعت و کفایت که مخصوص مذکور است تمام لوازمات و مہیات سفریہ خود را در ظرف ده روز تکمیل و تهیه نموده و بر روز ۳ جنوری ۱۹۳۲ از مقام کراچی زیر قیادت سر آوریل ستین، که سمت ریاست هیئت را دارا بود خودم بحیث معاون مذکور و یکنفر مساح مسما بپدر محمد ابوبکر خان فی سبیل انفرادی ملازمی کشمیری ما و یکنفر هم ملازم مساح مذکور يك جمعیت کوچک هفت نفری تشکیل داده سوار کشتی و ره پیمای سوب مقصود گردیدیم، خوشبختانه همه اشخاص شامل این یارانی بیکدلی و صمیمیت مخصوصی مایل کار و زحمت کشی بوده ارتعاش و پیش قلوب هر کدام ما با امید و آرزوی داخل شدن بیکقطعه دست نخورده در هر ساعت مضاعف شده میرفت برای من (مراد از نویسنده مقاله است) محمد ابوب خان مذکور که يك شخص طویل القامت خوش منظر و متناسب الاندومی بوده و کویا خداوند او را برای امر دادن خلق نموده بود بی اندازه غنیمت و مفید گفته میشد چه معلومات مذکور

نظر بانیکه تمام اراضی مذکور را میدانهای سنگداری فرا گرفته است نمیتوانستند خط صحیح سر حد را تعیین نمایند زیرا بهر طرفی که نگاه مینمودیم بجز بته های عجیب و غریب اینهاشته باخر سنگهای بزرگ بزرگ چیز دیگری بنظر نمی آمد سایر اراضی بلوچستان نیز تقریباً بهمین نهج یعنی عبارت از يك صحراي مرتفع عظیم و يك تعداد واحه های كوچك كوچك تیت و پراکنده دیگر میباشد و انگاه برجسته ترین مناظر این سر زمین عبارت از سنگ ریزه و ریگ و شتر خار گفته میشود در قسمت های کوهستانی سنگلاخهای برهنه و عریان آن گرمی نهایت شدید و محترق آفتاب را جلب و دوباره بار ارضی مجاوره آن آب بر تاب و القا نموده غلنها و گیاه های هرزه و وحشی را کاملاً بایوست های بدن مسافری بیچاره سوختانده و سیاه میکند اند باقی حصص این صحراي عظیم ریگی را نیز که از طرف شمال و جنوب با سلاسل کوه ها قطع و محدود گردیده تماماً از سنگ ریزه فرا گرفته میباشد؛ آب درین سر زمین از جمله چیزهای بسیار نادر و اقدسی بشمار رفته و چند قطره هم که بذریعه بعضی جویچه ها از تپه ها بطرف پایان سر از بر میشود ناقطره آخر در واحه های مذکور بکار برده میشود. شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چیزی که اول باول نظر ما را جلب کرد فقرم فاقگی اهالی این سر زمین بود، با ستمهای بعضی خانه های که از خشت خام بنا یافته و آهیم متعلق بتمولین است باقی تمام منازل و خانه های ایشان بدون کاسکین و شبیهه کنند و میباشد که های ایشان هم تقریباً بالتمام از رگ و شاخه های درخت خرما ساخته شده، غذای مردم مذکور عبارت از خرما و اگر باران سالی باشد برنج و آرد کنندم و گاه گاه یعنی در سال چند مرتبه هم گوشت میباشد این بهتر خوراک حتی در واحه ها نیز یافت نمیشود گاه گاه بعضی قریه های كوچك كوچكی که مسكون بایك دو نفر آدم بوده و اراضی

مجاوره خودشان را بوسیله کاربر همان طرز آبیاری دلاورانه که از اجداد میراث گرفته اند آبیاری و زراعت مینمودند نیز بر میخوردیم .
 اولین ایرانی حقیقی (نه بلوچستانی) که ملاقات نمودیم مامورین گمرکی که ما مور شده بودند از بندر مکران بملاقات ما بیایند بودند مامورین مذکور نسبت بوقتی که وارد میشدند متمولتر مرخص شدند زیرا محاصیل گمرکی خوبی در حصه مذکوره فراهم نموده بودند .

نظریات ما راجع بدسته نظامیان که بحکم شاه ذریعه حاکم بلوچستان فرستاده شده بود بالکل خلاف چیزی که ما انتظار داشتیم بر آمد چه افراد مذکور عبارت از یکدسته هشتاد نفری عساکر مجهز شتر سوار بودند که از طرف یکنفر افسر فهیم خوش خلق و خوش مشرب مسما بحسین آغای انصاری سوق و اداره میشدند این افسر که دارای رتبه لیو تئانت بود یکشخص بسیار ساده و طبیعی و در عین زمان دارای ذکاوت سرشاری مینمود راجع بعنایق ماقبل التاریخ بسرعت ممکنه چیز های بسیار ذی اهمیت وقابل القدری که حتی همقطاران او که در مغرب تحصیل نموده بودند هم از فهمیدن آن عاجز بودند آموخته و تعلیم نمود و علاوه بر اینکه کز اننای حفریات یکمعاون بسیار صحیح و راستکاری برابما شده بود در عین زمان دوست خجیلی موم افق و مصاحبت عزیز نیز برابما بشمار میرفت ؛ آغای انصاری و سربازان او هیچگاه بقبول نمودن کدام انعام و پانجشی که از طرف ما بایشان تقدیم میشد تمکین نمی نمودند لهذا ؛ گفته میتوانیم از موقعیکه رئیس و شخص اول مملکت از طبقه و صنف عسکر تعین شده تبدلات زیادی در روحیات نظامی ایران پیدا شده میباشد .

این دسته عساکر ایرانی که هیئت مشایعین ما را تشکیل میداد بکنوع لباس ساده خاکی که بایونیفورم سربازان اروپائی شپاهت نامی بهم میرساند پوسیده

بودند اما چیزی که بسیار جالب توجه گفته میشد همانا طرز آرایش و تزئینات دوست ما گلشن رهنما بود که از طرف حسین خان سردار (Geli) (عمان ملاك بزرگ بلوچستان ایران و مالك صدها مملوك) بنزد ما فرستاده شده بود زیرا بگونه لباس رومانتيك عجيب و غريبى بطرز قطاع الطريقات در بر نموده و چنان يك آرايشى بخود بسته بود که بینند مجرد نگاه کردن بوی محظوظ و متلذذ میگرددید حسن خان مذکور که یکی از خویشاوندان دوست محمد باغی بود لقب سرداری خود را از چند سال قبل یعنی عین در وقتی که افواج شاه موجوده ایران طغیان و شورش بلوچستان را فرو نشانند از دست داده بود علی ای حال در حالیکه اسماً حکمران بلوچستان گفته میشد اما فی الحقیقت تمام او امر و اقتدارات نظامی ایران مجبور بود بدون چون و چرا مطیع و منقاد باشد این شخص در وقتی که بمملکت مذکور وارد میشدیم بلافاصله بموجب تقاضای افسر نظامی معیت ما بماملحق گردیده و در تمام مدت چهار ماه مسافرت ما در ولایت مذکور در حالیکه مسئولیت تهیه نمودن کلیه لوازمات و آذوقه ما از قبیل مرغ مرغی، تلوغه و مردکار بعهده او گذاشته شده بود با ما مراقبت و همراهمی داشت چنانچه در هر فرستیکه از کشیدن افیون و تریاک باز داشته میشد خیلی از کهمک های او بما فایده میرسید. بلوچهایکه موضع بموضع آثار و اماکن کهنه را بمائشان میدادند با اینکه فوق العاده بی بضاعت و فقیر بودند ولی آدمان خوش منظر و جدا بی بنظر می آمدند برای امتحان نمودن درجه لیاقت و بکار گزینی شان وقت زیادی در دست داشتیم زیرا مجبور نبودیم فقط بصورت رهنما از ایشان کار بگیریم بلکه هر وقت میخواستیم تا اندازه شصت نفر آنها را بکار حفر نمودن و کندن خزینه ها (چنانکه ایشان بالمره به بودن خزاین یقین و عقیده داشتند) هم میگماشتیم متاسفانه هر قدر

بایشان تشریح میدادیم ابدأ نمی فهمیدند اشخاصیکه داخل این اراضی خشک و متروک میشوند آیا بچگونه مشقات و مصائب سرد چار و مواجهه و بچه اندازه صرف وقت و تمول مجبور بوده و علاوه بر آن قراریکه سابقاً گفتیم چطور از تابش آفتاب بدنهای شان سوخته و سیاه میگردد . بلکه چیزی که از روی صدق بدماغ ایشان جایگیر شده بود فقط همین بود که ما تمام اسرار و رموز علی الخصوص بزرگترین اسرار یعنی موقع خزاین را از ایشان مخفی و مکتوم میداریم . بکروز سراوریل از روی مزاح گفت : تمام این سفالهای قدیمه و افزارهای سنگی را که می بینند ما باربندی نموده با خود بوطن خود حمل و در آنجا از ایشان ادویه تیار میکنیم . تمام کارگرها این گفته مذکور را بکنوع انکشاف بزرگی تلقی کرده و قلباً بآن متیقن گردیدند و افعلاً چهقدر متعجب میشدند اگر بایشان فهمانده میشد که مادر حقیقت خزانههای خیلی نفیس و گرانبهای را از خاکهای شان مکتوف و بوطن خود میبریم لازم نیست درینجا از یکعده زبورات طلائی و نقرئی و عقیقی که از قبور « تز » « خوراب » بدست آورده بودیم بحث نمائیم بلی چیزیکه قابل تذکار میباشد همان زروت هنگفت و سرشار است که بصورت آلات و ادوات سنگی و سفالهای کهنه عهد حجر دریافت نموده و درین شش عدد صندوقهای بزرگ باخود پس بانگلستان آورده و بموزه بریطانی نقل و تحویل دادیم .

متأسفانه نظر بیاره ملاحظات و وضعیت هیئت ما مقتضی نبوده بحفريات و عملیات خود تا مدت درازی ادامه بدهیم و از طرفی تمام خاک مذکور بکرو دست نخورده بوده و پیش ازین قدم هیچ يك از عتیقه شناسان بآنجا نرسیده بود که اینوضعیّت لازم می نمود پیش از آنکه بحفر نمودن بکمو وقع از روی نظم و قاعده تصمیم و اقدام شود يك مساحت و بازدید عمومی از کلیه نقاط و مواضع آن بایست بعمل بیاید

معهدنا: در چهار مواضع تقریباً حفریات و سیمتر و طولانی نری بعمل آمد مثلاً پنجر وزبه دمبی کیج و پنجر وزم در بامپور و چهار روز در خوراب و سه روزم در آموقع که از همه قدیمتر گفته می شد یعنی حسینی صرف کردید .

اکثر قارئین سوال خواهند نمود که : آیا چه اجرات نمودید در حالیکه بهمچه بک زمین کشف نشده وارد شدید؟ چطور بکار آغاز نمودید؟ چطور بر مواقع تصادف نموده و بر خوردید؟

بجوابات شان ذیلاً توضیح میدهم .

مجر دیگه، ما بیک قریه و یا واحه میرسیدیم طبیعی اهالی دورا دورها را میگرفت سر آوریل پیش از همه رئیس موضع مذکور (که خدای قریه) را احضار و اعطای بخششی را بوی و عدد میداد این روزه مذکور طوری موثر واقع می شد که در عین زمانی که ما مشغول بر افراشتن خیمه ها و ملایزمین ما مصروف تهیه غذا می بودند رئیس مذکور فوراً بکمده اشخاص را جمع آوری نموده و بیک گوشه کمپ برای تقدیم نمودن شان بنا منتظر ایستاده می شد؛ از این بقیه ضای سر او دیل باز دید اشخاص کهن سال و غیره اشخاصیکه در خصوص خاک ریزه ها و تپه ها یا خرابه زارهای که در قدیم محل سکنتای بشر بود و معلوماتی درین باره میداشتند بود - آنها بیکه می توانستند معلومات قیمتی و مهمی بنا داده و یا جاهای قدیمی و کهنه را بنا نشان بدهند با عطای انعام خوبی پاداش می شدند در بعضی اوقات طالع ما فوق العاده می درخشید چطور که هنوز اردو گاه ما کاملاً استاده شده نمی بود که سر آوریل معلومات خیلی مفیدی در خصوص بکمده مواقع و جایگاهها استحصال نموده و در عین زمان باخذ بکمده و افراز نمونه های سفالها و دانه ها و غیره اشیای قدیمه که اهل قریه آورده می بودند موفق آمده می بود نا گفته نماند که اهل

قریه از اظهار دوروغ خیلی اجتناب می نمودند زیرا می دیدند سر آوریل اطلاعاتی را که آنها میدادند يك بيك بدقت ثبت نموده و علاوه بر همنامی جاهای را که در خصوص آن اطلاع و معلومات داده بودند از ایشان وعده میگرفت بمجردیکه معلوم میشد یکموقع خیلی دلچسپ و فایده مند است اگر موقع مذکور زیاد بعید نمی بود فوراً اشخاصیکه راجع بآن معلومات داده بودند مامور میشدند بموقع مذکور رفته و یکمقدار از نمونه های سفالهای کهنه را از اراضی آن جمع کرده با خود بیاورند - چنانچه غالباً هنوز آفلاب غروب کرده نمی بود که يك مجموعه خیلی نفیسی از سفالهای شکسته و ریخته و ادوات سنگی را که اشخاص مذکوره با خود آورده و از مابین دامن های کثیف و چرکین شان در سرمیز های ما خالی می نمودند مالک شده می بودیم - و انگاهی علی الصباح روز دیگر بساعت هفت بگردش و بازدید سطحی تمام مواقع که روز قبل معاينه آنها وعده داده شده بود شروع می نمودیم در هر دفعه که بهمچه گردش ها می برآمدیم مجبور بودیم چند نفری از اهل قریه را جهت حمل نمودن دو عدد کمره و مینز و غیره آلات مساحی و گاه گاه هم يك عدد فن با کس خود اجیر نمائیم - بعضی اوقان قریه کهنه ترین موقع تقریباً عین در خارج همان واحه که مادر آن فرود آمدیم میبودیم واقع می بود اما بعید ترین آن عموماً تا ده میل بعدت میداشت .

تپه ها و خاک توده های ذی اهمیت همیشه از فاصله های بعیدی مرئی میباشد زیرا در سر خاک توده های مذکور که از تراکم بقایای شست های خام که بارانهای متوالی ایام و دهور آنها را شسته و رو بهمریخته است غالباً از نو دهات و قریه ها اعمار و بنا یافته میباشد و اما شهر های بزرگ فقط از علامات پراکنده بودن سفالهای شکسته قدیمه که تا فاصله زیادی در اطراف و قرب

جوار آن موجود میباشد شناخته میشوند چه خانه ها و منازل گلی همچو بلاد
 نظر باینکه اغلباً از خشت خام بنیافته میباشد بواسطه نزول بارانهای متوالی ایام
 کاملاً شکسته و اثری از آنها بجای مانده نمیشد بنابراین تنها چیز های که ازین قبیل
 شهر ها باقی میماند همان اشیای سخت ماقبل التاریخ که عبارت از ظروف گلی پخته
 و ادوات سنگی است گفته می شود که این چیز ها هم چون بکثرت بجای مانده اند
 وضعیت و عصر محل را که در آنجا یافت شده اند بخوبی واضح و عیان مینماید
 بعضی اوقات يك تحقیقات سطحی ده دقیقه ای يك تپه کفایت مینمود تاریخ تقریبی
 آن را که در عین زمان قابل قبول هم شده میتواند پیدا نموده و از روی اسکنه های
 سنگی و آلات سنگهای چقمقی و دیگر ظروف سفالین که بطرز عصر حجر نقاشی
 شده میباشد بکفکر صحیحی راجع بموقع مذکور استنتاج و استنباط نمود . وقتی يك
 موقع عین مطابق اطلاعات که در باره آن داده شده بود برآمده یا بالعکس خلاف
 چیزی که در باره او گفته شده بود ظاهر شده و محض يك امتحان سطحی بيك
 نتیجه معین راجع با آن حاصل شده نمیتوانستیم روز دیگر مجدداً بموضع مذکور
 بامزدور کاران و عمه مراجعت نموده و کار امتحان آن را از سر میکرفتیم - و انگاه
 این عملیات ما بآن سهولت که بعضی کمال علمای زمین شناسی تمام نمیشد چه در حالیکه
 در بعضی جاها فقط شش نفر عمه کفایت مینمود در بعضی جاها دیگر مجبور میشدیم
 برای جلب و احضار نفری عمه و مزدور کار حتی از چندین قراء دور دست همجوار
 استعانت و استمداد نمائیم . چنانچه قاصد های را که برای ابلاغ
 این مقصد بقراء دور دست روانه کرده می بودیم گاهی خیلی از شب گذشته
 مراجعت مینمودند و بعضی اوقات هم شب را گذرانده روز دیگر آن بده بجه
 قبل الظهر و یا بدو بجه بعد الظهر میتوانستند با نفری کارگر مراجعت کنند

گذشته ازین گاه وقت از حیث فقدان و فقر آلات و ادوات هم دچار بسا مشکلات میشدیم چه یکحده بزرگ بلو چستان ایران تقریباً بیکو وضعیت که میشود شبیه عصر نیم حجری نامید امرار حیات داشته میباشد مثلاً در تمام قریه (Machke) ماخ میتوانیم بیش از یک عدد بیلی دستیاب نمائیم اما خوش بختانه از هند بر طافی یک مجموعه کافی از آلات و ادوات لازمه که برای چهل نفر کارگر کفایت نماید با خود آورده بودیم بعضی از بلو چیها بهمان نگاهای حسرت آمیز و متعجبی که بکمره ها مینگر یستند عیناً با فزارهای آهنی مذکور نیز بهمان حرص چشم دوخته می بودند نسبت بهاره ملاحظات نمیتوانیم تمام آن مشکلات را که از طرف این کارگرها بما عاید میشد در اینجا یک یک تذکار نمائیم، هیچک از ان اشخاص خوش بختی که در مالک مثل مصر و عراق اجرای حفريات نموده اند ممکن نیست آرزو نمایند با وجود همه موانع و معضلات لاینحل یعنی همه چیز کارگرهای غبی بی تعلیم و کودن اقدام بکار نمایند مثلاً با اینکه بیکنفر کارگر تا چهار مرتبه گفته میشد: ازین دیوار سنگی در گذشته و کاری بکار آن نبوده باشم! باز دیده میشد که بیابان کردن و جدا ساختن کوچکترین سنگ آن متوغل است چنانچه وقتی بی حوصله شده و از او پرسان می نمودیم چرا این دیوار را بقسم که هست بحال خود نگذاشته و بیدهوده در آن صرف وقت مینمائی؟ با وضعیت خشن و درشتی جواب میداد: صاحب! اینکه دیواری بیش نیست چه اهمیت دارد!... خزانه که شما بجزستجو و کشف آن قیام نموده اید که نمیباشد... افکار اینمردم را میشد فقط بصورت نشان دادن کدام فایده با ایشان تبدیل نمود نه چیز دیگر. خیلی متعجب میشدند وقتی میدیدند کشف یک پیکان سنگی تیری که بنظر آن ها چیزی نمی آید یک انعام هشت قرانی را باو شان تأمین نموده و کشف یک قطعه طلا که بچشم آنها خیلی بیش بها می آمد اضافه از یک یادو قران

برای شان انعام نمی آورد و انگاه بعد از دو سه روز کار کردن کم کم می فهمیدند که فقط پیدا کردن يك ظرف کلی نقاشی شده درست میتواند يك انعام بزرگی برای او شان حاصل کند نه ظروف که ده دوازده تکه شده باشد اما از طرف دیگر اصلاً نمی فهمیدند که هر چیز فی حد ذاته دارای قیمتی بوده و حتی استخوانهای که در يك قبر یافته میشود هم نبایست شکسته و ضایع شود .

خلاصه ممکن نیست تفصیل و فهرست نتایج علمی این مسافرت را مفصل و يك يك در اینجا ذکر کرده بتوانیم معیناً همان نتایج عمده را که از این عملیات بدست آمده است حسب آنی تشریح میدهیم :



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بهترین مردم کیست که تو او را نیاز موده باشی . چلیل ترین چیزیکه از آسمان میرسد توفیق و جمیل ترین چیزیکه از زمین طلوع میده کلام حق است . بیانا ترین کسی بعیوب خلق معیوب ترین خلق خواهد بود .

از کلمات قصار حضرت علی (رض)



بد بختی :

وقت طراوت و زیبایی را میبرد . ولی بد بختی و ضعیبت چهره را تبدیل می سازد .
مادام جانلیس